بررسی نقش انجمن های علمی در تولید علم

از منظر حجت الاسلام امینی

معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

انجمن های علمی و نقش آنها در تولید علم

پیام حوزه: لطفا در باره ضرورت ایجاد انجمن های علمی در حوزه علمیه قم

به طور کلی تشکیل انجمن های علمی در دانشگاه ها و مراکز آکادمیک دارای سابقه ای بس طولانی است و می توان آن را همزاد تأسیس دانشگاه ها شمرد. در کشور ما نیز انجمن های علمی از قبل از دهه چهل فعالیت خویش را آغاز نموده اند. البته شمار این انجمن ها در حوزه علوم انسانی اندک بود؛ امّا در دهه های اخیر در این رشته ها نیز شاهد شکل گیری بیشتر انجمن ها هستیم. امروز در این حوزه نیز تعداد زیادی انجمن وجود دارد.

در کشورهای پیشرفته انجمن های علمی یک نوع سازمان شناخته شده است که به صورت جدی روی آنها سرمایه گذاری می شود؛ چرا که یکی از مهم ترین کانون های علمی و تأثیرگذار بر تولید علم و روند فعالیت های علمی محسوب می شوند.

به نظر می رسد مبنای حمایت از انجمن ها در صورتی که منجر به گسترش فعالیت های علمی شود، آن است که ضرورتا باید در محیطی ایجاد گردد که تبادل و ارتباطات علمی در آنجا گسترده باشد؛ چرا که فرایند تولید علم نیازمند بستر مناسب و فعال علمی است و این بستر، زمانی مهیا می گردد که در آن محیط علمی، این دانشمندان و اهل علم و کسانی که فعالیت علمی می کنند، به نحو فعال و گسترده ای ارتباطات و تعاملات علمی برقرار سازند.

اساسا برای گسترش علم و گسترش پرسش هایی که منجر به پاسخ ها و پیشرفت های علمی می گردد، تجمع ها و ارتباطات علمی ضروری است. از همین روست که ما شاهد هستیم که در کشورهای عربی بیشترین تلاش برای گسترش تولید علم؛ معطوف بر ایجاد این ارتباطات در قالب های مختلف می باشد.

در کشور ما این ارتباطات تا حدودی در محیط های دانشگاهی شکل گرفته است؛ ولی در یک محیط بسته صورت می گیرد؛ به این معنی که این ارتباط، بیشتر بین اساتید و دانشجویان است که در فعالیت های علمی شرکت می کنند و متاسفانه بیشتر آن جنبه آموزش دارد؛ بدین معنا که در محدوده آموزش بین دانشجو و استاد صورت می گیرد. امّا حوزه فعالیت انجمن ها فراتر از این است، به صورتی که افراد مختلفی که ممکن است زمینه های فعالیت علمی شان در موضوعات خاص باشد، بتوانند در یک محفل علمی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و تبادل اطلاعات نمایند و از نوع فعالیت علمی همدیگر آگاه گردند و فعالیتشان را در یک محیط کاملاً علمی نقدپذیر با نگاه کلان تر رصد نمایند.

انجمن های علمی وظیفه دارند به دغدغه های علمی دانشمندانی که متعلق به حوزه علمی خاص می باشند، پاسخ دهند. به طور مثال چنانچه تعدادی از دانشمندان فلسفه یا جامعه شناسی که دغدغه فکری آنها فلسفه یا جامعه شناسی می باشد صرف نظر از فعالیت های علمی که در یک حوزه علمی یا دانشگاهی به طور خاص انجام می دهند، با رویکرد فلسفی یا جامعه شناختی به این علوم و گسترش آن پایبند گردند، در این صورت آن علم و فعالیت های علمی در این حوزه علمی؛ دستور کار یک انجمن می شود. یعنی علاوه بر اینکه هر یک از افراد، تحقیقات خود را انجام می هند، یک محیط جمعی فراهم می شود که دغدغه آنها موضوع آن علم و حضور آن علم می باشد. چنین انجمن هایی، علاوه بر تبادل افکار و آرا، نشاط علمی را به همراه می آورند و موجب طرح مسائل جدید و جدی اصحاب آن علم می گردند. همان طور که ما در حوزه علمیه نجف اشرف بعد از آخوند این تبادل و ارتباط را بین طلاب و شاگردان آخوند می بینیم که منجر به مباحث جدی و جدیدی در علم اصول فقه گردید.

البته گاهی ممکن است انجمن در یک رشته خاص علمی شکل بگیرد، ولی با اقبال عمومی دانش پژوهان روبه رو نگردد و به دلیل عدم آن ارتباطات و فعالیت ها و نشاط علمی، هیچ تأثیری در سرنوشت آن علم نگذارد.

به طور کلی می توان دو هدف اساسی برای تشکیل انجمن ها برشمرد.

1. رفع نگرانی و دغدغه دانشمندان علوم مختلف نسبت به موضوع علمشان؛ بدین صورت که دانشمندان در پرتو انجمن، به روشنگری در باره آن علم بپردازند.

2. گسترش آن علم و تبیین جایگاه آن در میان سایر علوم و نیز پرداختن به موضوعات مهمی که در آن علم نیاز به روشنگری دارد.

پیشینه انجمن ها در حوزه های علمیه و ضرورت تشکیل آن

در حوزه های علمیه تشکل های علمی به صورت سازمان یافته در دوره های گذشته وجود نداشته است؛ اما به جای آن، ارتباطات علمی اندک، به طور پراکنده در میان علما و طلاب وجود داشت که هیچ کدام استمرار و ادامه ای نداشته اند و همه به صورت مقطعی بوده اند.

امّا در قالب های جدید و به صورت منظم و حساب شده، تاکنون چیزی وجود نداشته و اصولاً ضرورت چنین تشکیلاتی احساس نشده است؛ چرا که در حوزه های علمیه، فعالیت های آموزشی و علمی به صورت گروهی انجام نگرفته و بیشتر به صورت فردی بوده است. از طرفی بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان علمی در حوزه، چنان رابطه ای برقرار نبوده و اگر هم بوده، به صورت یک طرفه بوده است.

بنابراین چنانچه بخواهیم بین این دو دستگاه و نیز بین خود تولید کنندگان علم، ارتباط برقرار شود؛ باید به حاصل فعالیت های علمی توجه کنیم و در این صورت است که باید نهادهایی را پایه گذاری کنیم که این دو کار را انجام دهند؛ یعنی بین کسانی که فعالیت علمی می کنند، ارتباط ایجاد نماید و نیز مصرف کننده و تولید کننده علم را به هم نزدیک تر سازد و با همدیگر آشنا نماید.

از طرف دیگر علیرغم شیوه ای که قرن هاست در حوزه نهادینه شده، فعالیت های جمعی جایگزین فعالیت های فردی شود و ذهنیت های حوزویان از فعالیت های فردی و شخصی خارج گردد و فضایی حاکم شود که افراد خود را در معرض نقد و نظر قرار دهند و این ایده در حوزه جایگزین گردد و حوزویان به این حقیقت متفاعد شوند که فعالیت علمی در جمع، بارور و از مقبولیت بین الاذهانی برخودار خواهد شد و خلاصه، پژوهش در محیط جمعی به عنوان یک ارزش و هنجار مورد پذیرش قرار گیرد. در این صورت است که پژوهشگر می تواند ارتباط بهتری با مصرف کننده برقرار سازد و سازمان ها و نهادهایی که نیازمند مباحث علمی هستند و از محصولات حوزوی در کارهای راهبردی استفاده می کنند، بهتر به سوی او کشیده می شوند؛ و مصرف کننده به خوبی می داند که به چه کسی، یا به کجا باید رجوع کند. اگر چنین موقعیتی فراهم آید، نشاط علمی نیز ایجاد می گردد. همه این واقعیت ها تشکیل چنین محافلی را ضروری می سازد و متولیان حوزوی را برای پایه گذاری و برپایی آن به سوی خود می کشاند.

اصولاً انجمن ها قالبی است که از طریق آن می توان تجمع های علمی را سازمان دهی کرد و دانش آموختگان یک رشته را در یک کانون مشخص جمع نمود. فکر می کنم در حوزه های علمیه این موضوع ضرورت بیشتری دارد؛ چرا که در حوزه های علمیه برای این ساختار هیچ گونه فکری نشده است، بر خلاف دانشگاه ها که از ابتدای تأسیس، شکل و طرح آن پیش بینی شده است.

در دانشگاه مصرف کننده می تواند به راحتی نیازهای علمی فرد را ارائه دهد و محیط علمی دانشگاه نیز با برنامه ریزی آن را در اختیار مصرف کننده قرار دهد. برای مثال اگر فلان کارخانه یا وزارتخانه نیاز به یک محصول علمی داشته باشد، بلافاصله با دانشکده فنی و مهندسی ارتباط ایجاد می کند و نیازهای خود را برآورده می سازد.

امّا حوزه های علمیه با اینکه از نظر فعالیت های علمی بسیار گسترده اند؛ دیگران نمی دانند با آن چگونه باید مواجه شوند و برای یافتن پاسخ خود به کجا مراجعه کنند، یا با چه افرادی رو به رو شوند؛ اگر به دنبال دانشی خاص یا نیاز علمی - که حوزه می تواند آن را برآورده کند - باشند به گونه ای خاص سردر گم می شوند.

از طرف دیگر تأثیری را که مصرف کنندگان در وضعیت آن علم می گذارد، نباید نادیده گرفت؛ به عبارت دیگر هر چه این ارتباط گسترده تر شود، چرخه فعالیت های علمی گسترده تر می گردد و حرفه ای تر به سوی نیازها گام برداشته می شود. یکی از اصلی ترین مشکلات موجود در حوزه های علمیه عدم توزیع مناسب و منطبق با تولید است. به طوری که در حوزه، اهتمام به پرورش و گسترش علم اصول و فقه به خوبی به چشم می خورد، در حالی که استفاده از محصولات این دو علم بسیار اندک و غیرقابل توجه می باشد. در بسیاری از علوم دیگر نیز ما دارای مواد خام و اولیه هستیم و استفاده خوبی از آنها نموده ایم؛ امّا چون سیستم توزیع نداشته ایم، بی نتیجه مانده و فایده ای از آن به دست نیامده است.

من فکر می کنم علت اصلی این مشکلات، بسته بودن ارتباطات حوزه است و چنانچه بخواهیم از این مشکل جدا شویم، باید این ارتباطات را با داخل و خارج از کشور برقرار سازیم و آن را به صورت عینی و واقعی تعریف کنیم. به هر صورت تقاضا و نیاز از سوی مصرف کنندگان محصولات حوزوی بسیار زیاد می باشد، ولی چرخه فعالیت های علمی و ارتباط بین حوزه و متقاضیان تعریف نشده است که باید این کار صورت پذیرد.

پیام حوزه: شما کارکرد انجمن ها را تبدیل تلاش های علمی فردی به جمعی

می دانید و از طرفی انجمن، شکل و هویتی غیر حوزوی دارد که در دانشگاه ها رایج بوده است. نیز شما به موضوع ارزشی کردن فعالیت های جمعی در حوزه اشاره کردید و بر ضرورت تشکیل آن در حوزه با عنایت نخبگان و کسانی که در رأس هرم قرار دارند، انگشت نهادید. اینک پرسش این است که آیا می توان افرادی را که در رده های بالای سطوح حوزوی قرار دارند، به سوی فعالیت های جمعی کشاند و آنان را به ارزشی کردن این فعالیت ها سوق داد؟

من فکر می کنم در درون حوزه ها یک سری افراد واسطه میان طلابی که در قاعده هرم قرار دارند و فقهایی که در راس هرم هستند، وجود دارد که از آنها به «فضلا» تعبیر می شود که دارای کارکردهای جدی در درون حوزه هستند. این طیف می تواند بار این تشکل ها را به خوبی بر دوش بکشد و مسائل را به کسانی که در رأس قرار دارند منتقل کند. ما نباید از علمای طراز اول انتظار داشته باشیم همه بار را بر دوش بکشند؛ بلکه آنان می توانند حامیان خوبی برای این گونه تشکل ها باشند. فضلا، که در حد خود از آموزش های حوزوی برخوردار شده و آنها را به خوبی به کار گرفته اند، می توانند حد وسط این دو طیف در حوزه باشند و به ویژه در حوزه های جدیدتر فکری، دراین تشکل ها حضور فعال به هم رسانند.

تجربه تاریخی حوزه نجف، به ویژه بعد از آخوند ثابت می کند که طیف فضلا می توانند با مباحثات علمی که بین مکاتب علمی و فکری مختلف در درون حوزه برقرار می سازند، شور و نشاطی وصف ناپذیر به جامعه علمی حوزه ببخشند و از طرفی علمای طراز اول را وارد این مباحث کنند و از سوی دیگر افراد پایین تر را تحت تأثیر این فعالیت ها قرار دهند. بنابر این پذیرش این هنجار برای ایجاد شور و نشاطی علمی در حوزه ها لازم است. خود حرکت علمی نیز در رسوخ این هنجار در حوزه مؤثر می باشد. به هر حال باید از یک جایی این حرکت های جمعی را شروع کرد و حوزه را به سوی حرکت جمعی علمی کشاند.

باید به فعالیت های علمی که می تواند بازار مباحث علمی حوزه را در درون داغ کند، دامن بزنیم و سیستم هایی که به این حرکت کمک می کند، در حوزه اجرا کنیم. البته این کار باید با در نظر داشتن ظرفیت های محیط علمی حوزه صورت گیرد تا به صورت منظم جلو برود.

پیام حوزه: برخی معتقدند که این طبقه که شما از آن به «فضلا» تعبیر کردید

تا جایی در این شور و نشاط حوزه دخالت دارند که به علما تبدیل نشده اند؛ امّا با تبدیل شدنشان به علما دیدگاهشان نسبت به آن نشاط علمی تغییر می کند. نظر شما چیست؟

به نظر من باید دو مسئله را از هم تفکیک نمود: یکی اینکه علما هر چه بالاتر می روند و به مقامات علمی بالاتری نائل می شوند، انگیزه علمی شان کمتر می شود که این مورد قبول نیست. برعکس، کسی که سال ها تلاش علمی می کند تا به آن موقعیت برسد، محال است که انگیزه خود را از دست بدهد و چنانچه کسی با این بزرگواران رفت و شد داشته باشد، می فهمد که حس طلبگی در این حالت در وجودشان بیشتر از گذشته احساس می شود.

مسئله دیگر این است که این بزرگان برای این نوع تشکل ها سرمایه گذاری کنند، یا حاضر به مدیریت هویت جمعی علمی باشند. این انتظار قطعا برآورده نخواهد شد؛ هر چند که حرکت های کوچکی در این زمینه هم در حال انجام است.

اگر فقهای ما که به درس خارج اشتغال دارند، به این نوع حرکت های علمی جمعی توجه داشته باشند، متوجه خواهند شد که با یک سازماندهی درست می توان شور و نشاط علمی را در درس ها افزایش داد؛ به گونه ای که طلبه ای که امروز بیش از پانزده سال از عمرش را در این درس ها سپری می کند، با این سیستم می تواند تمام مطالب را در کمتر از این زمان به دست آورد. به هر حال، در این رابطه باید ایده های جدیدی را ارائه داد و به محک آزمایش زد. نباید این طور تلقی شود که اگر ما در آموزش و پژوهش حوزه از سیستم های نو استفاده می کنیم، در صدد کنار زدن ارزش های حوزوی هستیم.

پیام حوزه: همان طور که شما اشاره کردید، در گذشته برخی از فعالیت های

گروهی در حوزه بوده است که البته نه به اسم انجمن بلکه به صورت های متفرقه در محضر اساتید یا در بیوت آیات عظام صورت می گرفت. آیا می توان این انجمن ها را قالب دیگر و روش جدیدی از همان لجنه های علمی دانست؟

ایده ای که در ذهن ما و برخی از بزرگان و حتّی در نامه مقام معظم رهبری به اندیشمندان جوان حوزه بود، اجتماعات و تجمع های علمی برای گسترش ارتباطات علمی میان پژوهشگران و مراکز پژوهشی حوزه بود. حال فرقی نمی کند اسمش انجمن باشد یا چیزی دیگر.

نکته دیگر در باره سئوال شما این است که در زمان گذشته در حوزه ها تنوع موضوعات علمی نداشتیم و امروزه ما طلاب زیادی داریم که در کنار علوم حوزوی، از طریق مطالعه فردی، یا آموزش دانشگاهی، علومی را فرا گرفته اند که در حوزه تدریس نمی شود؛ مانند علوم سیاسی، علوم تربیتی، اجتماعی، جامعه شناسی، اقتصاد و تاریخ. سئوال این است که حوزه با این طلاّبی که هم علاقه مند به حوزه اند و دوست دارند که از اندوخته هایشان استفاده شود، چه باید بکند. چگونه می توان از این ظرفیت موجود در حوزه که در علوم مختلف نیز کارشناس می باشند، در درون حوزه استفاده کرد؟ باید زمینه فعالیت این افراد را - که در حوزه کم نیز نیستند - مهیا کرد.

یکی از سیاست هایی که در اساسنامه شورای عالی حوزه به تصویب رسیده و به صراحت بیان شده؛ ساماندهی علوم انسانی است. ما باید برای استفاده از آن دانش پژوهان و تجمیع فعالیت های حوزویانی که دانش هایی غیر از علوم حوزه را نیز فرا گرفته اند و دوست دارند در حوزه فعالیت کنند، ایده و ابتکاری ارائه دهیم. شاید بتوان گفت یکی از محسنات این انجمن های علمی همین موضوع بود. از همین روست که می بینید بسیاری از کسانی که در این انجمن شرکت کرده اند، در رشته های مختلف علوم انسانی فعالیت داشته و دارند. از طرف دیگر امروز تنوع نیازها در داخل حوزه و خارج از آن به حدی است که فقط با پرداختن به علوم حوزوی نمی توان پاسخگوی آنها شد، بلکه باید در علوم مختلف دیگر نیز فعالیت نمود.

پیام حوزه: شما به ارتباط انجمن ها با سایر مراکز اشاره کوتاهی کردید. در

حوزه مراکز پژوهشی بسیاری وجود دارند که به طور مستقل کار می کنند. با توجه به اینکه ساماندهی این مراکز نیز به عهده شماست، لطفا بفرمایید ارتباط انجمن ها با مراکز پژوهشی و نیز با مراکز آموزشی تخصصی در حوزه چگونه است و اساسا چه نحو ارتباطی میان اینها تعریف شده است؟

مراکز تخصصی در حوزه، در ذیل مراکز آموزشی تعریف می شوند. در حوزه مراکز پژوهشی به صورت استاندارد وجود ندارد، یا بسیار اندک است؛ به این معنا که مرکز پژوهشی با کیفیت مطلوب و دارای هیئت های علمی پژوهشی و کارهای پژوهشی استاندارد علمی بسیار کم است و بیشتر مراکز پژوهشی به مراکز انتشاراتی تبدیل شده اند؛ چرا که ما تعریف جدّی از «پژوهشکده» نداریم. لذا بیشتر کار آنها ارائه خدمات به مراکز آموزشی حوزوی است. به هر صورت اگر ما بتوانیم پژوهشکده هایی مطابق با استانداردهای روز جهانی برپا کنیم، باز به چند دلیل نیازمند ایجاد مراکزی هستیم که به فعالیت های جنبی دیگر بپردازند:

1. خیلی از پژوهشگران رغبت ندارند که به پژوهشکده هایی بروند که به نهاد یا سازمانی وابسته است؛ چرا که دوست دارند به طور آزاد به پژوهش های خود بپردازند.

2. ماهیت انجمن ها یک نوع ستادی است که می تواند از افرادی که در پژوهشکده های مختلف مشغول هستند، استفاده کند و حتی آنها را در یک محفل علمی جمع کند. به سخن دیگر، می تواند محافل علمی را به یکدیگر پیوند دهد؛ لذا انجمن ها معطوف به یک فعالیت بسیار کلان می باشند که اگر خود را مشغول یک سری از فعالیت های صرف پژوهشی کنند، از آن ماهیت خارج شده، دیگر کارکرد یک انجمن را نخواهند داشت.

البته انجمن ها می توانند به پژوهشکده ها یاری رسانند و به توسعه فعالیت های علمی پژوهشکده ها بپردازند.

پیام حوزه: آیا این زمینه فراهم شده است که مسئولان عالی حوزه های

علمیه بتوانند از نتیجه و محصول انجمن ها به نحو شایسته استفاده کنند؟

باید پذیرفت که ایجاد چنین بستری، و توجه ویژه متولیان امور حوزوی به انجمن ها، نیاز به زمان دارد. از طرف دیگر به کارکرد انجمن ها و چگونگی مطرح شدن آنها از سوی اعضا و دست اندرکاران آن وابسته است.

پیام حوزه: بدون تردید، ارکان دولت خصوصا مسئولان رده بالا و نهادهای

وابسته به آنها می توانند از محصولات انجمن ها استفاده کنند. نقش انجمن های حوزه علمیه در برآوردن این نیازها چه بوده و هست؟

بسیار طبیعی است که ما متقاضیان زیادی از مراکز دولتی و غیردولتی داریم. برای مثال برخی از مراکز دولتی از ما تقاضای کمک کرده اند. تنها با وجود انجمن ها است که ما می توانیم به این نوع مراکز، پاسخ مناسب دهیم.

بدون تردید برخی از ارگان ها و نهادها که به نوعی با مسائل و علوم حوزوی، یا علوم انسانی سروکار دارند، همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام یا دستگاه ها و سازمان های اقتصادی کشور هر کدام به شکلی نیازهایی دارند که برای برآوردن آنها به حوزه روی می آوردند و از آن طلب همکاری می نمایند. در صورتی که انجمن ها تشکیل شود و در هر انجمن علمی به فراخور حوزه مطالعاتی آن، حرکت های بنیادین صورت گیرد، می توان با یک نامه نگاری ساده آن انجمن را به دستگاه مصرف کننده پیوند زد و میان آنها ارتباط برقرار ساخت. با ایجاد این ارتباط، دستگاه مصرف کننده به خوبی خواهد دانست که با چه افراد و گروهی باید مرتبط شود و هر کدام از آنها چه تخصصی دارند و چه نیازی از آن را می توانند پاسخ دهند. این، چیزی است که قبلاً در حوزه وجود نداشت. برای مثال اگر ما در مسائل حقوقی، یا اقتصادی نیاز به کار پژوهشی دانستیم، باید افراد متعددی را معرفی می کردیم، در حالی که نمی دانستیم که آیا واقعا می توانند نیاز مراجعان را برآورده سازند یا نه، و چه بسا برخی از افراد تواتمندتر از قلم می افتادند و حق آنها در این زمینه ضایع می شد. از سویی اگر کسی در این چرخه قرار می گرفت، امکان ارتباط او با این مراکز وجود داشت و اگر کسی در این چرخه قرار نمی گرفت، برای همیشه فراموش می شد. لذا یکی از کارکردهای مهم انجمن های حوزوی برقراری ارتباط و پیوند میان فضلا و متخصصان در دانش های گوناگون، با این مراکز می باشد.

پیام حوزه: معمولاً انجمن ها برای معرفی خود از ابزارهایی همچون،

نشست های علمی، ایجاد کارگاه های آموزشی، یا برگزاری همایش استفاده می کنند. شما برای معرفی انجمن ها حوزوی از چه ابزاری استفاده نمودید و آنان را چگونه معرفی کردید و برنامه آینده شما در این رابطه چیست؟

بدون شک بهترین ابزار معرفی انجمن ها همان چیزهایی است که فرمودید؛ اما کارکرد خود انجمن ها نیز می تواند عامل مهمی برای شناساندن آنها باشد؛ به طوری که بهترین تبلیغ از یک جامعه علمی؛ کارکردی است که آن جامعه علمی ارائه می دهد. بنابراین جوامع علمی با کارکرد درست و روشن به سرعت می توانند به نفع خویش تبلیغ نمایند. برای مثال کسانی که در دانش فلسفه یا اقتصاد یا تاریخ فعالیت می کنند، چنانچه چند کار علمی قابل توجه و پرمایه ارائه دهند و در بازار فروش عرضه کنند، همین، خود بهترین تبلیغ برای آنهاست. بنابراین در این کار خروجی های خود انجمن ها مهم ترین عامل تبلیغ آنهاست.

البته غالب فعالیت های علمی انجمن ها را نشست های علمی، انتشار مجلات علمی، تنظیم اردوهای علمی و... تشکیل می دهد که در همه مراکز یکسان است. مهم تر از این ها آن است که انجمن بتواند در موارد لازم به سرعت وارد عمل شوند. برای مثال اگر کتابی از زیر چاپ خارج شد که نیاز به نقد و بررسی دارد، بلافاصله با نشستی علمی به نقد آن بپردازد، به طور کلی وضعیت محصولات علمی را به خوبی زیر نظر داشته باشد. این، بهترین روش برای تبلیغ انجمن ها است.

پیام حوزه: انجمن های حوزوی دیری نیست که شکل گرفته اند. اما

انجمن هایی هستند که قدمتی طولانی دارند؛ همانند انجمن فیزیک و شیمی که سابقه آنها به دهه های بیست و سی می رسد؛ ولی متاسفانه در تولید علم چندان قوی عمل ننموده اند. اگر روزی انجمن های حوزوی نیز به سرنوشت این انجمن های دانشگاهی و آکادمیک دچار شوند و خلاقیت های علمی در آن صورت نگیرد، به نظر شما چه باید کرد؟

به هرحال باید پذیرفت که سرنوشت فعالیت های علمی در کشور ما تابعی از هنجارهای محیط های علمی ماست؛ به این معنا که دانش آموختگان حوزوی و دانشگاهی تحت تأثیر محیط علمی که در آن به آموزش پرداخته اند، قرار دارند. از طرفی محیط های علمی موجود در کشور ما- در هر دو نوع آن - محیط های مطلوب علمی نیست؛ به عبارت دیگر با ایده آل ها و وضعیت مطلوب فاصله ای بسیار طولانی دارند. انجمن ها نیز که محصولی از این محیط ها می باشند، از این موضوع مستثنا نیستند؛ چرا که آنان را نیز افرادی تشکیل داده اند که مدرس دانشگاه یا حوزه، یا دانش آموخته این دو محیط علمی اند.

پیام حوزه: به نظر شما تا چه حد می توان این فعالیت های جمعی را در درون

حوزه ساماندهی کرد؟ و این فعالیت ها چه تأثیری در حل مشکلاتی که حوزه امروز با آن رو به روست، خواهد داشت؟

سامان مند کردن فعالیت های حوزوی به این معنا نیست که اگر یک سیستم تعریف شد، بتوان با آن، همه مشکلات حوزوی را حل کرد. بدون تردید مشکلات فرهنگی و مشکلات ساختار آموزشی که در طول سال ها به بدنه حوزه تزریق شده حجم بسیاری از مشکلات را در کنار هم قرار داده است که هر کدام نیاز به برنامه ریزی و فکر و ایده ای صحیح و مطالعاتی وسیع در زمینه خاص خود دارد.

همان طور که گفتم، فاصله طولانی ما با وضعیت ایده ال نیز مزید بر علت است. ولی خوشبختانه در حوزه آن قدر انگیزه وجود دارد که اگر همه دست به دست هم دهند و کمک کنند و نیز از افرادی که آمادگی فعالیت های علمی دارند، حمایت شود و بتوان به انجمن ها پیش از این کمک نمود، می توان یک بخش از این مشکلات را از میان برداشت؛ چرا که حوزه بارها نشان داده است در مقولاتی که وارد می شود، گوی سبقت را می گیرد و بسیار صحیح و درست عمل می کند.

امّا متاسفانه آفت چند کاره بودن پژوهشگران حوزوی و مشکلات معیشتی ایشان باعث شده که فعالیت های پژوهشی تحت الشعاع این مسائل قرار گیرد. باید برای این مشکل، فکری اساسی کرد؛ و گرنه با صرف وجود انجمن ها نمی توان این گونه مشکلات را حل کرد.

در حوزه پژوهش مشکلات جدی ای وجود دارد. تولید علم نیازمند شرایط و مقتضیات و لوازمی است که باید آنها را فراهم آورد تا بتوان به تولید علم نائل شد. اگر یک ایده نو و تازه در حوزه وارد شد، نباید انتظار داشته باشیم که بتواند تمام مشکلات پژوهشی و معیشتی ما را حل کند. تنها مشکلی که تشکیل انجمن ها می تواند از پیش پای حوزه بردارد، مشکل ارتباط دانش آموختگان حوزوی با مراکز مصرف کننده است. علاوه بر آن، انجمن ها می تواند در دانش های مربوط به خود، نشاط علمی ایجاد کنند و به آن دانش، اصالت ویژه ای ببخشند.

پیام حوزه: با توجه به اینکه نظیر این گونه انجمن ها در محیط دانشگاهی

فراوان وجود داشت، آیا نمی شد برای رسیدن به اهداف خود از همان انجمن ها استفاده کرد و تشکیلات جدیدی را در درون حوزه راه اندازی نکرد؛ به ویژه که شما فرمودید بسیاری از علاقه مندان و اعضای انجمن ها را کسانی تشکیل می دهند که دارای مدارک دانشگاهی هستند؟

برای گرفتن مجوز علمی از وزرات علوم برای این انجمن ها همین بحث وجود دارد که مثلاً با وجود انجمن حقوق، چرا به انجمن های دیگری که زمینه فعالیتشان رشته حقوق است، مجوز داده شود. امّا به هر جهت استدلال آنان این است که هر انجمنی زمینه کاری متفاوتی دارد. شاید چند انجمن با عنوان حقوق وجود داشته باشد؛ امّا هر کدام در یک زمینه از رشته حقوق به فعالیت بپردازند. به همین استدلال است که انجمن های متوازی شکل می گیرد. همین استدلال را می توان برای شکل گیری انجمن های موازی به صورتی قوی تر در حوزه علمیه آورد؛ چرا که اولاً حوزه برای خودش یک نهاد علمی مستقل است، همانند دانشگاه و طبیعتا می تواند فعالیت های مختلف و گوناگونی داشته باشد؛ ثانیا انجمن ها با یک گرایش خاص شکل می گیرند و چون بیشترین مطالعات آنها بین رشته ای یا بین حوزه و دانشگاه و یا درون حوزوی است، شکل گیری آنها امری حساب شده و توجیه پذیر است. از طرفی چون حوزه مطالعاتی و قلمرو کار انجمن های حوزوی و دانشگاهی با همدیگر متفاوت است و در حوزه بیشتر مطالعات در رشته های علوم انسانی صبغه دینی دارد، ضروری است که انجمن های جداگانه ای تأسیس شود که در عین فعالیت مستقل، با انجمن های دانشگاهی نیز در ارتباط باشند.

پیام حوزه: لطفا در باره روند اجرایی و شکل گیری انجمن ها نیز توضیح

بفرمایید.

روند اجرایی انجمن ها بدین صورت است که افرادی به عنوان مؤسس با تدوین یک اساسنامه، تقاضای تشکیل انجمن را به مدیریت حوزه علمیه می دهند. حوزه علمیه با معاونان خود، یا با نمایندگانی که از سوی مدیر حوزه و معاونش انتخاب می شوند، به بررسی اساسنامه و اهداف آن پرداخته، با آن موافقت می کند. سپس هیئت موسس اقدام به فرا خوان تأسیس نموده، به عضوگیری می پردازند. سپس مجمع عمومی تشکیل می شود و هیئت مدیره ای برای انجمن انتخاب می گردد که تمام فعالیت های انجمن بر عهده آنها گذاشته می شود. در اساسنامه انجمن ها ملاحظه شده است که افراد و اعضای انجمن لزوما حوزوی نیستند؛ بلکه فارغ التحصیلان دانشگاهی نیز می توانند به عضویت این انجمن ها در آیند و به فعالیت بپردازند.

نکته دیگر این است که انجمن ها به صورت نهادی مستقل از حوزه مشغول فعالیت می شوند. انجمن ها در اساسنامه شان، تشکیلاتی مستقل تعریف شده اند؛ لذا جزو دوایر حوزه نمی باشند. اگر چه این نگرانی برای برخی از حوزویان وجود دارد که این استقلال، منجر به فعالیت هایی بشود که با اهداف حوزه مغایر است؛ امّا ما به این نگرانی ها توجه نداشته و فقط مجوز تشکیل آنها را صادر می کنیم و می خواهیم که این انجمن ها مستقل باشند؛ چرا که اگر ما این استقلال را از آنها بگیریم، چه بسا بسیاری از افراد که فعالیت های علمی انجام می دهند، وارد آنها نشوند. از طرفی چنانچه انجمن ها به حوزه وابسته باشند و احساس استقلال ننماید، نشاط علمی از آنها سلب می شود و مهم ترین هدف شکل گیری آنها - یعنی ایجاد نشاط علمی - تحت الشعاع این وابستگی قرار می گیرد.

به هر حال، ما از انجمن ها خواسته ایم که حوزه فعالیت های خود را به برخی از نیازهای حوزه معطوف کنند و تا آنجا که می توانند، پاسخگوی این نیازها باشند.